

اگر طی ۴۰ سال گذشته از خود می‌پرسیدید چرا رهبران بریتانیا، چه از جناح چپ و چه راست، حتی در حالی که اسرائیل بیش از ۲ میلیون نفر از مردم غزه را قتل‌عام می‌کند یا به آنها گرسنگی می‌دهد که نابود شوند، بنسدرت از آن انتقاد کرده‌اند، هفته گذشته بالاخره پاسخش را گرفتید. «کمی‌باندوک»، رهبر حزب محافظه‌کار، آنچه را معمولاً پنهان نگاه می‌دارند، بی‌برده بر زبان آورد. او به شیکه اسکای گفت: «اسرائیل در غزه» در حال جنگی نیابتی از طرف بریتانیاست.»

به گفته باندوک، بریتانیا- و احتمالاً از نظر او، سایر قدرت‌های غربی- فقط حامی اسرائیل در مقابله با حماس نیستند، بلکه خود، خواهان این جنگ هستند و در هدایت آن نقش دارند. آن‌ها این نبرد را برای منافع ملی خود حیاتی می‌دانند. این ارزیابی کاملاً با آنچه در طول بیش از یک سال و نیم گذشته در غزه شاهد بوده‌ایم همخوانی دارد. هم دولت فعلی کارگر به رهبری «کر استارمر» و هم دولت محافظه‌کار پیشین به رهبری «ریشی سوناک»، با قاطعیت از ارسال تسلیحات بریتانیایی به اسرائیل حمایت کرده‌اند، در حالی که همزمان در انتقال سلاح از آمریکا و آلمان برای کمک به این کشتار نیز نقش داشته‌اند. هر دو دولت از پایگاه نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا در «کروتایری» قبرس برای انجام پروازهای شناسایی به منظور کمک به اسرائیل در یافتن اهداف در غزه استفاده کرده‌اند. دولت بریتانیا در پاسخ به پرسش‌ها درباره این پروازها، بارها اصرار ورزیده که این عملیات‌ها در راستای «جناح گروگان‌ها» صورت می‌گیرد. و هر دو دولت اجازه دادند شهروندان بریتانیایی برای شرکت به‌عنوان سرباز در نسل‌کشی غزه به اسرائیل سفر کنند. هیچ‌یک از این دو دولت به پرونده آفریقای جنوبی در دیوان بین‌المللی دادگستری نپیوستند، پرونده‌ای که بیش از یک سال پیش اعلام کرد اقدامات اسرائیل می‌تواند «بمطور معقول» مصداق نسل‌کشی تلقی شود.

همچنین هیچ‌یک از این دو دولت، برخلاف آنچه در برخی «جنگ‌های» اخیر شاهد بوده‌ایم، پیشنهاد ایجاد منطقه پرواز ممنوع ندادند یا تلاشی برای تحمیل آن- به همراه سایر دولت‌های غربی- انجام ندادند تا حمله مرگبار اسرائیل به غزه را متوقف کنند. آن‌ها همچنین هیچ ابتکاری برای شکستن محاصره اسرائیل و رساندن کمک‌های انسانی به این باریکه از خود نشان ندادند. به عبارت دیگر، هر دو دولت محافظه‌کار و کارگر به طور پایدار حمایت مادی خود از اسرائیل را حفظ کردند، حتی اگر استارمر اخیراً در پی انتشار تصاویر نوزادان و کودکان گرسنه غزه، که یادآور کودکان یهودی در اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها مانند «اشویش» بود و جهان را تکان داد،



از شدت حمایت‌های لفظی خود کاسته باشد. اگر ادعای «باندوک» درست باشد که بریتانیا در غزه مشغول جنگی نیابتی است، این بدان معناست که هر دو دولت بریتانیا مستقیماً مسئول تلفات عظیم غیرنظامیان فلسطینی هستند؛ تلفاتی که در نتیجه بمباران‌های بی‌وقفه و محاصره کامل غزه از سوی اسرائیل به ده‌ها هزار و احتمالاً صدها هزار نفر می‌رسد. این موضوع همچنین به‌روشنی نشان می‌دهد که بریتانیا در قطعی گسترده‌ای به کمک‌کنون بیش از دو میلیون نفر را در غزه گرفتار کرده، شریک و همدست است؛ و در واقع، این همان چیزی است که باندوک در قالب زبان رمزآلود و غیرمستقیم سیاسی به آن اشاره کرد. در واکنش به انتقاد اخیر و بسیار دیر هنگام استارمر از سیاست اسرائیل در به قطعی کشاندن تمام جمعیت غزه، باندوک گفت: «آنچه من می‌خواهم ببینم این است که کر استارمر مطمئن شود که در سمت درست منافع ملی بریتانیاست.» به گفته باندوک، تهدید ضمنی استارمر- که تاکنون هیچ‌گاه به مرحله عمل نرسیده- مبنی بر محدود کردن همدستی فعال بریتانیا در قطعی نسل‌کشیانه مردم غزه، می‌تواند به منافع ملی بریتانیا آسیب بزند. اما دقیقاً چگونه؟ اظهارات او باید مدجری اسکای، «ترور فلیپس»، را دست‌کم شوکه یا سردرگم می‌کرد. اما این سخنان بدون هیچ واکنشی از سوی او گذشت.

اظهارنظر باندوک درباره «جنگ نیابتی» نیز تا حد زیادی از سوی سایر رسانه‌های اصلی بریتانیا نادیده گرفته شد. نشریات جناح راست البته به آن پرداختند، اما به‌نظر می‌رسید آنچه آن‌ها را نگران کرده، نه اشاره او به جنگ نیابتی در غزه، بلکه مقایسه آن با جنگ نیابتی غرب در اوکراین بود. یا به‌قول رهبر اپوزیسیون، «اسرائیل از طرف بریتانیا در حال جنگ نیابتی در غزه است درست همان‌طور که اوکراین از طرف اروپای غربی علیه روسیه در حال جنگ است.» نشریه «اسپیکتاتور»، که در حکم ارگان غیررسمی حزب محافظه‌کار است، از به‌کار بردن اصطلاح «جنگ نیابتی» درباره اوکراین انتقاد کرد، اما به‌نظر می‌رسید استفاده باندوک از این اصطلاح در مورد غزه را بدیهی و پذیرفته‌شده تلقی کرده است. جیمز هیل، معاون سرانبر سیاسی اسپکتاتور، نوشت: «باندوک با تکرار ناخواسته موضع روسیه در مورد اوکراین، ابراز تازمای به دست مخالفانش داد تا او را بکوبند.» تلگراف، دیگر روزنامه متمایل به محافظه‌کاران،

اششاره: با شروع جنگ غزه و نسل‌کشی ملت فلسطین دولت‌های غربی به خصوص انگلیس در این جنگ نقش بسیار فعالی در حمایت سیاسی، نظامی و امنیتی از رژیم اسرائیل تانکون ایفا کرده‌اند. نقشی که به طور فزاینده‌ای دولت انگلیس را تبدیل به همدست رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی غزه کرده است. «جنااتان کوک» نویسنده و روزنامه‌نگار سرشناس انگلیسی در مقاله‌ای که وب‌سایت «میدل‌ایست‌آی» آن را منتشر کرده است تأکید می‌کند علی‌رغم فشارهای داخلی و بین‌المللی، دولت‌های محافظه‌کار و کارگر در بریتانیا به ارسال سلاح‌ها و تجهیزات نظامی به رژیم اسرائیل ادامه داده‌اند، در حالی که حملات گسترده اسرائیل به نوار غزه باعث کشته‌ت و زخمی شدن ده‌ها هزار غیرنظامی از جمله کودکان و زنان شده است. به گفته وی انگلیس جدای از فروش سلاح، پایگاه هوایی «آکروتیری» در قبرس را برای انجام پروازهای شناسایی و کمک به رژیم اسرائیل در کشتار ملت فلسطین در اختیار این رژیم قرار داده است. این اقدام‌ها، با ادعای حمایت از عملیات نجات گروگان‌ها، در واقع کمک به عملیات نظامی اسرائیل بوده که بسیاری آن را جنگی علیه غیرنظامیان می‌دانند. دولت‌های بریتانیا همچنین از صدور مجوز سفر شهروندان بریتانیایی برای سفر به فلسطین اشغالی برای پیوستن به نیروهای نظامی در حملات به غزه چشم‌پوشی کرده‌اند، موضوعی که به مشارکت مستقیم در جنایات جنگی اسرائیل در غزه منجر شده است. افزون بر این، بریتانیا از حمایت قضائی از شکایت‌های بین‌المللی علیه اسرائیل خودداری کرده و حتی از تشکیل مناطق پرواز ممنوع در غزه که می‌توانست مانع از

مقاله‌ای با عنوان مشابه منتشر کرد: «کرم‌لین از اظهارات باندوک درباره جنگ نیابتی در اوکراین بهره‌برداری می‌کند»

از غزه تا اوکراین

عدم واکنش به اظهارنظر باندوک درباره «جنگ نیابتی» در غزه نشان می‌دهد که چنین برداشتی در واقع در بسیاری از محافل سیاست خارجی غرب ریشه دارد، حتی اگر او با بیان علنی آن، یک تابو را شکسته باشد. برای درک این‌که چرا غزه به‌عنوان یک جنگ نیابتی تلقی می‌شود- جنگی که بریتانیا همچنان عمیقاً در آن سرمایه‌گذاری کرده، حتی به بهای نسل‌کشی- باید فهمید که چرا اوکراین نیز از منظر مشابهی دیده می‌شود. این دو «جنگ» بیش از آنچه در ظاهر به نظر می‌رسد، به هم مرتبط هستند.

با وجود نگرانی‌هایی که نشریات «اسپکتاتور» و «تلگراف» مطرح کردند، باندوک نخستین رهبر بریتانیایی نیست که به این نکته اشاره می‌کند که غرب در اوکراین درگیر یک جنگ نیابتی است. در ماه فوریه(بهمن ۱۴۰۲)، یکی از پیشینیان باندوک، «بوریس جانسون» نیز درباره نقش غرب در جنگ سم‌ساله میان روسیه و اوکراین چنین گفت: «بیابید واقع‌بین باشیم، ما داریم یک جنگ

غرب فکر می‌کرد چیزی برای از دست دادن ندارد. اگر روسیه حمله کند، ناتو بهانه‌ای خواهد داشت تا از اوکراین به‌عنوان صحنه نبردی برای تضعیف هم از نظر اقتصادی از طریق تحریم‌ها و هم از نظر نظامی با پر کردن میدان جنگ از سلاح‌های غربی مسکو استفاده کند. همان‌طور که اکنون می‌دانیم، مسکو گزینه حمله را انتخاب کرد. و اگرچه خودش به‌شدت دچار آسیب شد اما نیروهای اوکراینی و اقتصادهای اروپایی حتی سریع‌تر و شدیدتر از با افتادند.»

مسئله، کمبود سلاح نیست- غرب به‌اندازه کافی سلاح فرستاده- مشکل اینجاست که اوکراین دیگر نیروی سربازی ندارد که حاضر باشد به کام جنگ فرستاده شود. البته قصد ندارد سربازان

هم دولت فعلی کارگر به رهبری «کر استارمر» و هم دولت محافظه‌کار پیشین به رهبری «ریشی سوناک»، با قاطعیت از ار سال تسلیحات بریتانیایی به اسرائیل حمایت کرده‌اند.

نومحافظه‌کاران ارزش زیادی برای «مجتمع نظامی – صنعتی» قائل هستند. آن‌ها معتقدند که غرب برتری تمدنی نسبت به باقی جهان دارد و باید از این برتری تسلیحاتی برای شکست دادن، یا حداقل مهار کردن، هر کشوری که حاضر به تسلیم نشود، استفاده کرد.

۱۱

نیابتی را پیش می‌بریم، ما داریم یک جنگ نیابتی را هدایت می‌کنیم. اما به نیروهای نیابتی‌مان اوکراین ا ابزار لازم انجام کار را نمی‌دهیم.» اگر کسی باید حقیقت ماجرا را درباره اوکراین بداند، آن شخص بوریس جانسون است، چراکه در زمان حمله مسکو به همسایه‌اش در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ (۵ اسفند ۱۴۰۰) او نخست‌وزیر بریتانیا بود. او خیلی زود به دستور واشنگتن به کی‌یف اعزام شد؛ جایی که به‌نظر می‌رسد رئیس‌جمهور «ولودیمیر زلنسکی» را تحت فشار قرار داد تا از مذاکرات آتش‌بس که به مراحل پیشرفت‌های رسیده بود و می‌توانست به راه‌حلی برای پایان جنگ منجر شود، صرف‌نظر کند و جنگ با روسیه را ادامه دهد.

دلایل قانع‌کننده‌ای وجود دارد که چرا جانسون و باندوک، اوکراین را یک جنگ نیابتی می‌دانند. همین‌اخر هفته گذشته، «کیث کلوگ»، فرستاده دولالت ترامپ به اوکراین، حرف آن‌ها را تکرار کرد. او به فاکس‌نیوز گفت که رئیس‌جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین، بیراه نمی‌گوید اگر جنگ اوکراین را جنگی نیابتی بداند، و این‌که غرب با ارسال سلاح برای کیف، در واقع نقش متجاوز را بازی می‌کند.

برای سال‌ها، غرب مرزهای تهاجمی ناتو را به سمت روسیه گسترش داد، آن هم با وجود هشدارهای صریح مسکو که چنین کاری از نظر آن‌ها عبور از یک «خط قرمز» محسوب می‌شود. با تهدید غرب به این‌که می‌خواهد اوکراین، همسایه روسیه، را وارد ساختار نظامی ناتو کند، علاقه‌فقط دو پاسخ ممکن از سوی مسکو وجود داشت: یا پوتین عقب‌نشینی می‌کرد و روسیه خود را در تنگنای نظامی می‌دید، در حالی که موشک‌های ناتو- با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای- در چند دقیقه‌ای مسکو مستقر می‌شدند؛ یا این‌که برای جلوگیری از عضویت اوکراین در ناتو، دست‌به‌واکنش پیشدستانه می‌زد و حمله می‌کرد.

دریچه‌ای به جهان

khareji@kayhan.ir

ادامه بمباران‌های گسترده شود، حمایت نکرده است. به گفته «کوک» اظهارات برخی مقامات ارشد بریتانیا مانند «کمی‌باندوک» رهبر جدید حزب محافظه‌کار این کشور که به طور علنی اذعان کرده‌اند «اسرائیل در غزه جنگ نیابتی به نفع بریتانیا انجام می‌دهد»، عمق همدستی و همسویی سیاسی این کشور با رژیم اسرائیل را آشکار ساخته است. این موضع‌گیری‌ها نشان می‌دهد که منافع استراتژیک و ژئوپلیتیکی بریتانیا در منطقه، به‌ویژه حفظ نفوذ در خاورمیانه و مقابله با رقبای منطقه‌ای مانند ایران، اولویت بالاتری نسبت به حفظ حقوق بشر و جلوگیری از نسل‌کشی دارد. در نتیجه، حمایت مادی، سیاسی و اطلاعاتی دولت بریتانیا از اسرائیل باعث تشدید بحران انسانی در غزه و استمرار نسل‌کشی سیستماتیک فلسطینیان شده است. این سیاست‌ها نه تنها اعتبار اخلاقی بریتانیا را زیر سؤال برده بلکه موجب افزایش نفرت و خشونت در منطقه شده‌اند، وضعیتی که نیازمند بازنگری فوری و پاسخگویی کامل مقامات این کشور است. وی تأکید می‌کند از دیدگاه بریتانیا، جنگ رژیم اسرائیل در غزه اساساً مربوط به ریشه‌کن کردن حماس یا «بازگرداندن اسرای صهیونیست نیست بلکه در واقع، مسئله این است که غربی‌ها رژیم اسرائیل را مسلح می‌کنند تا قدرت دولت‌هایی مثل ایران و متحدان منطقه‌ای‌اش را که حاضر به تسلیم در برابر سلطه غرب بر خاورمیانه نیستند را تضعیف کنند. در ادامه ترجمه کامل این مقاله را با هم مرور می‌کنیم.

حقیقتی که آشکار شد

انگلیس در مرکز «جنگ نیابتی» غزه قرار دارد



از دیدگاه بریتانیا، جنگ اسرائیل در غزه اساساً مربوط به ریشه‌کن کردن حماس یا بازگرداندن اسرا نیست بلکه مسئله این است که غربی‌ها به دنبال تسلیح اسرائیل هستند تا قدرت دولت‌هایی مثل ایران و متحدان منطقه‌ای‌اش را که حاضر به تسلیم در برابر سلطه غرب بر خاورمیانه نیستند را تضعیف کنند.

حمایت از نسل‌کشی اسرائیل، ادعای برتری اخلاقی غرب را برای همه جز معدود طرفداران فریب‌خورده‌اش بی‌اعتبار کرده است.

۱۱

با این حال، منطق ژئوپلیتیکی خاصی پشت اقدامات غرب در اوکراین وجود داشت. تضعیف روسیه، که یک قدرت نظامی و اقتصادی است، بسا اولویت‌های جنگ‌طلبانه گروه‌های مسلح‌های غربی مسکو استفاده کند. همان‌طور فارغ از اینکه کدام حزب در حکومت است، نومحافظه‌کاران ارزش زیادی برای «مجتمع نظامی – صنعتی» قائل هستند. آن‌ها معتقدند که غرب برتری تمدنی نسبت به باقی جهان دارد و باید از این برتری تسلیحاتی برای شکست دادن، یا حداقل مهار کردن، هر کشوری که حاضر به تسلیم نشود، استفاده کرد. این نگرش، بازسازی مدرن مفهوم «وحشی‌ها پشت دروازه‌های شهر» است، یا همان‌طور که نتوکان‌ها دوست دارند آن

را «برخورد تمدن‌ها» بنامند. از نظر آن‌ها سقوط غرب به معنای بازگشت به دوران تاریکی خواهد بود. به باور آن‌ها، این یک مبارزه سرنوشت‌ساز، غربی‌قدرت را در دست دارند، همخوانی دارد؛ فارغ از اینکه کدام حزب در حکومت است. نومحافظه‌کاران ارزش زیادی برای «مجتمع نظامی – صنعتی» قائل هستند. آن‌ها معتقدند که غرب برتری تمدنی نسبت به باقی جهان دارد و باید از این برتری تسلیحاتی برای شکست دادن، یا حداقل مهار کردن، هر کشوری که حاضر به تسلیم نشود، استفاده کرد. این نگرش، بازسازی مدرن مفهوم «وحشی‌ها پشت دروازه‌های شهر» خوبی منظور خود را بیان کردند.

«سلط تمام‌عیار جهانی» آمریکا‌ست. شما باید تسلیم شوید- یعنی بگذارید ما کنترل منابع جهان را در دست بگیریم- یا هزینش را بپردازید. در عمل، چنین «سیاست خارجی» ناگزیر جهان را به دو بخش تقسیم کرده است: کسانی که در اردوگاه «دیرخوانده» هستند و کسانی که خارج از آن قرار دارند. اگر روسیه با تبدیل اوکراین به پایگاه پیشرو ناتو در نزدیکی مسکو قابل مهار و خشی شدن نبود، باید توسط غرب به یک جنگ نیابتی فرسایشی کشانده می‌شد تا توانایی روسیه در اتحاد با چین علیه هژمونی جهانی آمریکا از بین برود. این همان چیزی است که باندوک و جانسون با عبارت «جنگ نیابتی در اوکراین» به خوبی منظور خود را بیان کردند.



و غرب، همان‌طور که باندوک مطرح می‌کند؟ جالب این‌که باندوک دو دلیل درباره «جنگ» اسرائیل علیه غزه ارائه داد که چندان با هم سازگار نیستند. او ابتدا به اسکای گفت: «اسرائیل در جنگی است که می‌خواهد ۵۸ گروگان را آزاد کند. همه ماجرا بر سر همین است... ما باید مطمئن شویم که در طرفی هستیم که می‌خواهد حماس را ریشه‌کن کند.» اما حتی «ریشه‌کن کردن حماس» هم به سختی با اهداف سیاست خارجی بریتانیا همخوانی دارد. به هر حال، با وجود اینکه بریتانیا حماس را

صفحه ۸

پنجشنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۴

۱۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۸۸۰

صرف‌نظر از شعارها و سخنرانی‌ها، پایتخت‌های غربی عمدتاً نگران تهدیدهای نظامی یا «تمدنی» نیستند. آن‌ها از این نمی‌ترسند که توسط «دشمنان» خود اشغال یا شکست بخورند. در واقع، رفتارهای بی‌پروا و مخاطره‌آمیزشان در مناطقی مانند اوکراین، احتمال وقوع یک درگیری هسته‌ای فاجعه‌بار را افزایش می‌دهد.آنچه سیاست خارجی غرب را هدایت می‌کند، اشتیاق به حفظ برتری اقتصادی جهانی است. و ترساندن دیگر کشورها به برتری نظامی غرب تنها راهی است که آن‌ها برای تضمین این برتری می‌بینند. اختلافات درون نهادهای غربی هرگز بر سر این نیست که آیا غرب باید «سلط همه‌جانبه» خود را از طریق دولت‌های وابسته‌ای مانند اسرائیل و اوکراین اعمال کند یا نه. بلکه اختلافات عمدتاً بر سر این است که باید با کدام گروه‌ها در این دولت‌های وابسته رابطه نزدیک‌تری برقرار شود.

مسئله اتحادها در مورد اسرائیل به‌ویژه پیچیده است، جایی که جناح‌های راست‌گرای افراطی و گروه‌های مذهبی تندرو در دولت، دیدگاهی تقریباً موعودگرا درباره جایگاه و نقش خود در خاورمیانه دارند. «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر اسرائیل و بسیاری از نزدیکان او دهه‌هاست که در تلاشند تا آمریکا را به حمله به ایران یا به منظور حذف اصلی‌ترین رقیب اسرائیل در خاورمیانه و تضمین همیشگی برتری منطقه‌ای اسرائیل که مجیز به تسلیحات هسته‌ای است؛ وادار کنند.

تا کنون، نتانیاهو موفق نشده در کاخ سفید حامی جدی برای این هدف پیدا کند. اما این بریتانیا حمله نکرده، اعلام کرده که قصد چنین کاری ندارد. و به احتمال زیاد هرگز چنین موقعیتی را نخواهد داشت. در عوض، بسیار محتمل‌تر است که نابودی غزه توسط اسرائیل، با همکاری آشکار غرب، باعث شعله‌ور شدن افرادی خشمگین شود که دست به اعمال خشونت‌بار تصادفی یا نادرستی بزنند؛ اقداماتی که نمی‌توان برای آن‌ها آمادگی داشت یا آن‌ها را متوقف کرد. این احتمالاً دلیل کافی است برای این‌که بریتانیا هر چه سریع‌تر باید خود را از اقدامات اسرائیل جدا کند، نه این‌که کاملاً پشت تل‌آویو بایستد.

در سال ۲۰۱۷، «پریتی پتل» مجبور شد از سمت وزیر امور و تسهیلات بین‌المللی کناره‌گیری کند، پس از اینکه مشخص شد در جریان یک تعطیلات خانوادگی ظاهری، ۱۲ جلسه محرمانه با مقامات ارشد اسرائیلی، از جمله نتانیاهو، برگزار کرده است. او همچنین دیدارهای پنهانی دیگری با مقامات اسرائیلی در نیویورک و لندن داشت. ۶ سال پیش‌تر، «لیام فاکس»، وزیر دفاع وقت، نیز پس از برگزاری چند جلسه مهم با مقامات اسرائیلی مجبور به کناره‌گیری شد. وزارت دفاع او همچنین به خاطر تدوین برنامه‌های دقیق برای کمک‌های بریتانیا در صورت حمله نظامی آمریکا به ایران،



از جمله اجازه استفاده آمریکا از دی‌هو گارسیا، قلمرو بریتانیا در اقیانوس هند، شناخته شده بود. مسئولان دولتی نامشخص به گاردین گفته بودند که فاکس سیاست «جایگزین» دولت را دنبال می‌کرده است. دیپلمات سابق بریتانیایی، کریگ موری، صریح‌تر بود و منابع داخل دولت به او گفته بودند که فاکس در حال توطئه با اسرائیل برای سیاست خارجی «خارج از کنترل» و در قبال ایران بوده که برخلاف اهداف رسمی بریتانیا است. رفتارهای غرب بر پایه ایدئولوژی استوار است، نه عقلانیت یا اخلاق. حمایت وسواس‌گونه و خودورانگتر غرب از نسل‌کشی اسرائیل در غزه، تفاوتی با همین ماهیت خودورانگتر اقدامات اوکراین ندارد تنها این بار بسیار زشت‌تر و بارزتر است.

غرب نبرد با روسیه را باخته، اما حاضر نیست درس بگیرد یا خود را تغییر دهد و اکنون همان اندک مشروعیت اخلاقی‌ای را که برایش باقی مانده بود، صرف حمایت از یک یک رژیم اشغالگر نظامی کرده که مصمم است میلیون‌ها انسان را با از گرسنگی بکشد، یا اگر بتواند، از راه پاک‌سازی قومی به مصر براند.

حمایت از کی‌یف را در غرب حداقل می‌توان به عنوان ایستادن در کنار طرف درست در یک نبرد تمدنی با روسیه وحشی جازد اما حمایت از اسرائیل فقط یزاکاری غرب، پرشتش قدرت به خاطر قدرت، و تمایلات روان‌پریشانه آن را آشکار می‌کند. حمایت از نسل‌کشی اسرائیل، ادعای برتری اخلاقی غرب را برای همه جز معدود طرفداران فریب‌خورده‌اش بی‌اعتبار کرده است. متأسفانه، این طرفداران هنوز شامل بیشتر نهادهای سیاسی و رسانه‌ای غرب می‌شوند که تنها توجیه‌شان، تبلیغ و ترویج نظام باورهای است که خود بر آن حکم می‌رانند و آن را شایسته‌ترین در تاریخ می‌دانند.

برخی، مانند «استارمر»، در تلاشند لحن خود را تعدیل کنند تا به هر قیمتی شده از این سیستم اخلاقاً ورشکسته که به آنها قدرت داده، دفاع کنند. دیگران، مانند «باندوک»، هنوز آن‌قدر در پرشتش غرب برتر غرق شده‌ند که نمی‌بینند گفته‌هایشان برای هر کسی که دیگر شسته‌فرب نیست چقدر مضحک به نظر می‌رسد. به جای فاصله گرفتن از جنایات اسرائیل، خوشحالند که خود و بریتانیا را در صحنه جرم قرار دهند. بالا دیگر پرده‌ها از چشم مردم غرب کنار رفته است. وقت آن رسیده که رهبران مان را کاملاً پاسخگو بدانیم.

۱۱